

## بانوی مهربانی (حضرت زهرا(س)) در نوحه‌های میناب

سهراب سعیدی\*

### چکیده

مداحی اهل بیت و نوحه خوانی در سوگ آنان، از جمله کارهایی است که یاد آن عزیزان را زنده نگهداشته است. ائمه نیز از مداحان و ذاکران، تقدیر می‌کردند، و برای این کار، فضیلت و ثواب بسیار می‌شمردند. در استان هرمزگان شاعران با فهم این نکته که نوحه گفتن و نوحه خواندن در رثای امامان پاداش اخروی و دنیایی دارد به شعر نوحه و مرثیه روی آوردند چنانچه از قرن ۱۲ تا کنون شاعران مرثیه سرای زیادی در این میناب داریم. از آنجا که ادبیات فارسی ایران، با دین و آموزه‌های دینی هم قرین است و همین امر یکی از مهمترین وجوه تمایز شعر فارسی با شعر دیگر کشورهاست؛ از این روست که ذهن خلاق و نکته سنج مرثیه سرایان میناب از دیر باز به بیان اندیشه‌های ولایی در اشعارشان مشغول داشته است و شاعران میناب بیش از دوست سال پیش با سرودن دلنامه‌های گوناگون، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت ابراز داشته اند. این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتبخانه به تحلیل نوحه‌های شاعران دوست سال پیش میناب در رثای بانوی مهربانی - (حضرت زهرا(س)) - می‌پردازد.

**کلید واژه:** بانوی مهربانی، مرثیه، شاعران، نوحه، هرمزگان، میناب.

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش میناب و مدرس دانشگاه

sohrab\_minab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱



## مقدمه

آنان که ادبیات کشورهای مختلف را در مطالعه گرفته و در تمام ابعاد آن به تفحص و جستجو پرداخته‌اند نیک می‌دانند که ادبیات فارسی ایران، با دین و آموزه‌های دینی هم قرین است و همین امر یکی از مهمترین وجوه تمایز شعر فارسی با شعر دیگر کشورهاست؛ به طوری که این امر یک نوع ادبی به نام ادبیات مذهبی را در گستره‌ی شعر فارسی پدید آورده است.

ذهن خلاق و نکته سنج مرثیه سرایان هرمزگان (میناب) از دیر باز به بیان اندیشه‌های ولایی در اشعارشان مشغول گشته است و شاعران میناب از دوست سال پیش با سرودن دلنامه‌های گوناگون، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت ابراز داشته‌اند و در واقع چه مضمونی بهتر و رساتر برای شاعر شیعه مذهب می‌تواند از واقعه‌ی شهادت بانوی مهربانی وجود داشته باشد تا آن را به نظم بکشد؛ اگرچه سر سوزن ذوقی که شاعران مرثیه سرای مینابی داشته‌اند، خدادادی بوده که آن را برای مرثیه و ستایش شایستگان ستایش در کار گرفته‌اند و ارادت و اخلاص خود را با سرایش اشعار بیان داشته‌اند.

اشعار مراثی میناب در قالب‌های شعری مثنوی، قصیده، ترجیع بند، غزل، بحر طویل، مستزاد، ترکیب بند، قطعه و... در اوزان عروضی متفاوت و متنوع سروده شده است؛ همینطور تنوع و گستردگی مضمون نیز در این اشعار (نوحه) به خوبی دیده می‌شود. شاعران مرثیه سرای میناب در پایان همه‌ی قالب‌های شعری که ذکر آن در بالا رفت تخلص و نام شعری و هنری خود را ذکر می‌نمایند ولی در شعر فارسی ایران این امر فقط در قالب غزل نمایانگر می‌شود، به نظر می‌رسد شاعران از ذکر نام خود در پایان همه‌ی شعرهایشان چند هدف داشته‌اند: اول این که معمولاً شاعران در پایان شعر خود از پیامبر و خاندان پاکش درخواست دارند تا واسطه شوند و خداوند از گناه آن‌ها در گذرند تا در روز قیامت و جهان دیگر در بهشت با امامان محشور شوند. از این رو نام خود را در پایان شعرها آورده‌اند تا به هنگام خواندن نوحه‌ها، نوحه خوانان، شاعر آن سروده‌ها را نیز از دعای خیر خود فراموش ننمایند، دوم این که با نوشتن تخلص خود در پایان شعرها جدای از جلوگیری از سرقت ادبی نام خود را در یادها و یادگارها محفوظ بدارند و همین طور چون هیچ کدام از شاعران دیوان مستقلی نداشته‌اند و اشعار آن‌ها سینه به سینه و دست به دست می‌شده با



نوشتن نام خود در پایان شعرها، اشعار خود را از دیگران جدا و متمایز می‌کردند. در استان هرمزگان و بخصوص میناب نیز از عصر صفویه و قاجار تاکنون شاعران مرثیه‌گویی و نوحه‌خوان زیادی ظهور کرده‌اند که اینجا به ذکر فقط نام آنها در دو گروه می‌پردازیم. شاعران مرثیه‌سرای مینابی که در وادی مرثیه‌سرایی طبع آزمایی کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول مرثیه‌سرایانی که در یکی دو قرن پیش می‌زیسته‌اند و اینک دیگر در میان ما نیستند از جمله: عبدالله منصف علیایی، حسین مسیحا، ملا محمد معروف، حسینعلی قضائی، محمد شفیق رنجبر (وارث لازم)، عبدالله واضح، قنبر، مولا داد مستمع نوری، جاریه قضایی، ناصر محزون، مخلص محزون، راغب محزون، ذاکر، عجیبا، مشتاق ثانی.

گروه دوم: شاعران مرثیه‌سرایی که سنت نوحه‌گری را همچنان ادامه می‌دهند و هم اینک معاصر با ما هستند از جمله: و مرحومان سال‌های اخیر: حسن چلمی نخل کار، ملا محمد قضائی (اخلاص) و مرحوم میرزا عباس مهدی حسینی و میرزا حسین نساجی و آقایان: عبدالرسول وکیل زاده، ناصر سلیمانی، غلاحسین حسینی قضائی (واعظ)، محمود رحیمی شهواری، ملا محمد زاهدی دهویی و محمدصادق نساجی که شاهد چاپ مجموعه‌ای از اشعار نوحه‌اش می‌باشیم. و شعر شاعران دیگر نیز در چهار مجموعه با عناوین: رخس بی سوار، سو گواره‌ها، مرثیه‌سرایی در هرمزگان و نوحه و عزا در هرمزگان توسط اینجانب -سهراب سعیدی- از سال ۱۳۸۷ تا کنون گردآوری، تدوین و چاپ شده است. در این مقاله به بررسی جایگاه مرثیه در هرمزگان پرداخته می‌شود.

## بحث اصلی و تحلیل

### نوحه

نوحه جزو اشعار غیررسمی و نوعی از مرثیه مذهبی است که با آهنگ‌های خاص در مجالس سوگواری حضرت امام حسین(ع) همراه با مراسم سینه‌زنی خوانده می‌شود. شعرهایی که برای نوحه سروده شده، از وزن برخوردار است، اما از حیث وزن و قافیه متنوع‌تر از قالب‌های شعر سنتی فارسی است و با ضرب آهنگ‌های سینه‌زنی متناسب و هماهنگ است. علاوه بر آن تساوی مصراع‌ها در آن رعایت نمی‌شود و از این نظر شباهتی به شعر آزاد نیمایی هم دارد.



نخستین نوحه‌ها در دوره قاجار شکل گرفته است. در دیوان صباحی بیدگلی (متوفی ۱۲۱۸) قصیده‌ای وجود دارد که از نظر آهنگ به نوحه بی‌شبهت نیست. از این نظر بعضی آن را نخستین نوحه ضبط شده دانسته‌اند. مطلع این قصیده چنین است:

امروز عزای شاه دین است ز ناله، سپهر چون زمین است  
 میرزا ابوالحسن یغمای جندقی (متوفی ۱۲۷۶هـ.ق) نخستین شاعری است که بخشی از دیوان او به نوحه اختصاص یافته است. (میرصادقی، بی تا: ۲۸۷) اما محتوای نوحه‌ها غالباً برشی از حوادث کربلاست که نوحه‌سرا از نگاه خاص خود به مرثیه‌سرایی می‌پردازد.

سرایندگان بسیاری از نوحه‌ها شاعران کم‌سواد و گاه ناشناس‌اند که به نوحه‌سرایی می‌پردازند و در کتاب‌های نوحه خود برای طالبان این نوع مراثی لحن خواندن را نیز یادآوری می‌کنند، که چگونه این نوحه‌ها خوانده شود. تنها دلیل این کار تنوع اوزان در یک نوحه است.

گفته‌اند آدم ابوالبشر، پس از آن که «هابیل» به دست برادرش «قابیل» به قتل رسید در عزای فرزند مرثیه‌ای سرود، اما نخستین مرثیه‌هایی که در ادب پارسی به جای مانده، اشعاری است که رودکی سمرقندی در رثای شاعران هم عصر خویش سروده است، از جمله مطلع زیر که در سوگ ابو الحسن مرادی بخارایی است:

مرد مردای نه همانا که مرد مردن      آن خواجه نه کاری است خرد  
 و در رثای شهید بلخی چنین سروده است:  
 کاروان شهید رفت از پیش      وان ما گرفته گیر و می اندیش  
 از شمار دو چشم یک تن کم      وز شمار خرد، هزاران بیش  
 رودکی همچنین مرثیه‌ای در مرگ امیر اسماعیل سامانی، خطاب به فرزند او احمد بن اسماعیل سامانی سروده است که با بیت زیر آغاز می‌شود:

ای آنکه غمگنی و سزاواری      و ندر نهان سرشک همی باری  
 در همان دوران، ابوالعباس فضل بن عباس ربنجی بخارایی در سال ۳۳۱ ق در سوگ نصر بن احمد سامانی و شادباش جانشین وی، نوح بن نصر مرثیه‌ای سروده که سه بیت از آن در تاریخ بیهقی آمده است:



پادشاهی گذشت خوب نژاد پادشاهی نشسنت فرخ زاد  
 زان گذشته جهانیان غمگین زاین نشسته جهانیان دلشاد  
 بنگر اکنون به چشم عقل نکو کانچه از ما گرفت ایزد داد  
 عماره مروزی شاعر اواخر عهد سامانیان در سوگ ابوابراهیم اسماعیل بن نوح معروف به «منتصر»  
 مرثیه‌ای گفته است. فرخی سیستانی در رثای سلطان محمود غزنوی قصیده‌ای سروده است با این  
 مطلع:

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار چه فتاده ست که امسال دگرگون شده کار  
 حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه علاوه بر اشعاری که در سوگ فرزند سی و هفت ساله  
 خویش سروده، در سوگ قهرمانان شاهنامه نیز مرثیه‌هایی دارد. (مجله کیهان فرهنگی، اسفند ۱۳۸۱،  
 شماره ۱۹۷)

مرثیه در اوان پیدایش و گسترش شعر فارسی پایه پای مضمون‌های دیگر ادبی به تقلید از شعر عربی  
 به وجود آمد و در گذر زمان انواع گوناگونی به خود گرفت. بررسی سیرتطور مرثیه بیانگر این  
 مطلب است که مرثیه از نوع رسمی به نوع مذهبی متحول شده است. به گونه‌ای که در چند قرن  
 اخیر معنای خاص خود یعنی سوگ بر سیدالشهدا به کار برده می‌شود. از ابتدای پیدایش شعر  
 فارسی تا قرن هشتم هجری مرثیه غالب، مرثیه رسمی است که در قالب قصیده سروده می‌شد. اما  
 رفته رفته و با به قدرت رسیدن حکومت صفویه مرثیه مذهبی در قالب ترکیب‌بند رایج می‌گردد.  
 پس از اوج گرفتن مرثیه‌سرایی مذهبی دو شیوه دیگر مرثیه مذهبی یعنی نوحه و مقاتل منظوم در  
 قالب مثنوی ابداع گردید. در یکصد سال اخیر به علت خیزش‌های مردمی، شاعران مضامین مذهبی  
 را با مضامین اجتماعی و سیاسی تلفیق کردند و نوعی مرثیه وطنی اجتماعی به وجود آوردند که  
 نقش مرثیه را از حد سوگ به مرثیه تحریک و بیداری مردم به عنوان یک وظیفه اجتماعی و  
 سیاسی برتری بخشید.



### ویژگی نوحه‌ها

از ویژگی‌های مهم اشعار مرثیه در میناب تنوع و گستردگی مضامین است؛ نوحه‌ها با ویژگی‌های خود از حیث تقطیع و تلفیق اوزان گوناگون شعر فارسی، با در بر داشتن سادگی لفظ و معنی بسیار نزدیک به زبان محاوره و ملموس بودن است که در میان مردم با استقبال فراوان همراه شد و این خود مسیری بسیار مهم در شکل گرفتن سبکی ادبی در شعر فارسی به نام مرثیه‌سرایی گشت؛ اما اوزان عروضی که در اشعار مرثیه در میناب کاربرد داشته عمدتاً فاعلاتن، مفاعیلن، فاعلاتن، فعلن و مستفعلن است.

### تخلص در نوحه

شاعران مرثیه‌سرای هرزگان در پایان همه‌ی قالب‌های شعری، تخلص و نام شعری و هنری خود را ذکر می‌نمایند ولی در شعر فارسی ایران این امر فقط در قالب غزل نمایانگر می‌شود، به نظر می‌رسد شاعران هرزگانی از ذکر نام خود در پایان همه‌ی شعرهایشان چند هدف داشته‌اند: اول این که معمولاً شاعران در پایان شعر خود از پیامبر و خاندان پاکش درخواست دارند تا واسطه شوند و خداوند از گناه آن‌ها در گذرند تا در روز قیامت و جهان دیگر در بهشت با امامان محشور شوند. از این رو نام خود را در پایان شعرها آورده‌اند تا به هنگام خواندن نوحه‌ها، نوحه خوانان، شاعر آن سروده‌ها را نیز از دعای خیر خود فراموش نمایند، دوم این که با نوشتن تخلص خود در پایان شعرها جدای از جلوگیری از سرقت ادبی نام خود را در یادها و یادگارها محفوظ بدارند و همین طور چون هیچ کدام از شاعران دیوان مستقلی نداشته‌اند و اشعار آن‌ها سینه به سینه و دست به دست می‌شده با نوشتن نام خود در پایان شعرها، اشعار خود را از دیگران جدا و متمایز می‌کردند.

### نحوه اجرای نوحه‌ها

نحوه‌ی اجرای آن نوحه‌ها در هرزگان بدین گونه است: قبل از این که روحانی محل، روضه‌خوانی را شروع کند چند نفر از ساکنین محل با آهنگی سوزان به نوحه‌خوانی در رثای یکی از شهدای کربلا یا دیگر امامان معصوم (ع) می‌پردازند که به این افراد «ذاکر» گفته می‌شود. به همراه



ذاکرها، حضار در مجلس نیز سینه زنی می‌کنند و ابیاتی از اشعاری را که ذاکرها می‌خوانند به اتفاق آنان همخوانی می‌نمایند و به اصطلاح جوابی می‌دهند. شیوه‌ی اجرای این اشعار در نوحه‌خوانی‌ها به این گونه است که: ذاکرین در صدر مجلس روضه‌خوانی به دو یا چند گروه تقسیم می‌شوند و در مقابل هم می‌نشینند. در این هنگام یک نفر نوحه‌ای را می‌خواند و بقیه‌ی ذاکرین در حال سینه زدن هستند و هر جایی که لازم باشد جواب نوحه را می‌خوانند؛ که گاهی جواب نوحه به صورت یک بیت است که یک مصراع را گروه اول و مصراع دیگر را گروه مقابل جواب می‌گویند. و گاهی نیز دویتی است که یک بیت را یک گروه و بیت دیگر را گروه مقابل همخوانی می‌کنند؛ البته بعضی از نوحه‌ها جواب سه مصراعی و تک مصراعی نیز دارند.

### نوحه در سوگ حضرت زهرا(س)

شاعران پاک سرشت میناب در سوگ دخت حضرت نبی نیز نوحه‌های فراوان دارند که در اینجا به مطلع چند نوحه اشاره می‌رود:

باز با نوحه مسیحا شروع می‌کنیم:

مدینه شور و غوغا شد که زهرا رفته از دنیا      فغان در عرش اعلا شد که زهرا رفته از دنیا  
(سعیدی، ۴۵: ۱۳۹۲)

و یا مسیحا در نوحه‌ای دیگر باز برای حضرت فاطمه سوگ‌واری می‌کند:

فاطمه چون وارد محشر شود واویلا      شکوه کنان بر در داور شود واویلا  
(همان، ۴۶)

ذاکر که نیز در نوحه‌های هر مزگان حضوری فعال دارد: شنیده‌های خود را به زبان نوحه می‌آورد و تصویرآفرینی می‌کند:

شنیدم که زهرا حزینه      سرقبر پدر اندر مدینه  
چوبلبل ناله و آه و فغان داشت      شکایت‌ها ز امت بر زبان داشت  
(سعیدی، ۶۹: ۱۳۸۸)

و یا در سوگ آن حضرت چنین به نوحه می‌نشیند:



عزاداران زنید بر سر که زهرا رفته از دنیا      ز بعدش شد علی مضطر که زهرا رفته از دنیا  
(رستمی ابوسعیدی، ۷۲: ۱۳۹۱)

ذاکر نوحه‌های فراوانی در سوگ حضرت زهرا (س) دارد که اینجا مطلع آن مراثی ذکر می‌گردد:  
عزاداران زنید بر سر که زهرا رفته از دنیا      ز بعدش شد علی مضطر که زهرا رفته از دنیا  
(رئوفی، ۸۳: ۱۳۸۹)

و:

کنار قبر دردانه بسوزم همچو پروانه      شب و روز اندرین خانه ولی آهسته آهسته  
و یا:

بدان ای خاک زهرا نوجوان است      ترحم کن به او آرام جان است  
فشار قبر آسان کن به زهرا      بسی جور و ستم دیده به دنیا  
(سعیدی، ۵۰: ۱۳۸۸)

استاد مرثیه جنوب، قضایی علیایی نیز از رجعت حضرت زهرا پریشان است و پریشانی‌اش را در  
نوحه به تصویر می‌کشد:

ای نوگل باغ نبی ای مونس جانم امشب پریشانم      رفتی ز دستم عاقبت ای راحت جانم امشب پریشانم  
(سعیدی، ۴۷: ۱۳۹۳)

نساجی شاعر میناب در کتاب نوحه‌اش با عنوان نوحه‌های پامنبری، شهادت حضرت زهرا (س) را  
این گونه به سوگ می‌نشیند:

قد علی گشته کمان در ماتم زهرا      آهش رود بر آسمان در ماتم زهرا  
(نساجی، ۸۶: ۱۳۹۴)

و یا:

چرا مادر به این زودی سوی باغ جنان رفتی      تو با پهلوی بشکسته به فریاد و فغان رفتی  
(همان، ۵۱)

علاوه بر این شاعر معاصر نساجی، وکیل زاده که از شاعران معاصر میناب است در چند نوحه  
شهادت حضرت زهرا (س) را مضمون نوحه‌های خود ساخته است از مطلع آن نوحه‌هاست:

ز بعد حضرت زهرا مدینه بی صفا باشد      سیه‌پوش زینب کبری حسین اندر عزا باشد





(سعیدی، همان: ۵۳)

و:

حسین گفتا که ای بابا کجا باشد مادرم زهرا مگر او رفته از دنیا کجا شد مادرم زهرا

(همان، ۵۵)

### چند نوحه در سوگ بانوی مهربانی

شاعران نوحه گوی مینابی از زمان صفویه تا دوران معاصر در سوگ حضرت زهرا(س) نوحه‌های جان‌گزا سروده‌اند در اینجا از آن همه به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم.

مدینه شور و غوغا شد که زهرا رفته از دنیا

فغان در عرش اعلا شد که زهرا رفته از دنیا

زمین و آسمان لرزان ملائک جمله در افغان

همه اهل وطن نالان که زهرا رفته از دنیا

بگریید زینب مضطر حسن می گفت که ای مادر

حسین زد دست غم بر سر که زهرا رفته از دنیا

حسن می گفت که جانم سوخت مرا آتش بدل افروخت

برایم رخت ماتم دوخت که زهرا رفته از دنیا

زغوغای یتیمانش فتاده لرززه بر جانم

گرفته جمله دامانم که زهرا رفته از دنیا

به بیت الله ماتم شد که قَدْ مرتضی خم شد

فغان در کل عالم شد که زهرا رفته از دنیا

«مسیحا» دفتر ماتم بهم بگذار تا محشر

بدشت کربلا رو کن که زهرا رفته از دنیا

\*\*\*



فاطمه چون وارد محشر شود (واویلا)  
 ناله اش از عرش برین بر شود (واویلا)  
 ای که توئی دادستان (یاالله یاالله)  
 سنگ به دندان پیمبر زدند (واویلا)  
 تیغ جفا بر سر حیدر زدند (واویلا)  
 خون حسینم ز جفا ریختند (واویلا)  
 آل حسینم چه بردند به شام (واویلا)  
 سنگ زدند بر سرشان اهل شام (واویلا)  
 عابد «سجاد» بستی دودست (واویلا)<sup>(۱)</sup>  
 عرض کند تو ای خدای مبین (واویلا)  
 وعده وفایت بود از حق یقین (واویلا)  
 جرم و گناه همه ی شیعیان (واویلا)  
 شکوه کنان بر در داور شود (واویلا)  
 گرید و گوید به فغان (یا الله یا الله)  
 داد دلسم را بستان (یا الله یا الله)  
 فرقه ای بر پهلوی من در زدند (واویلا)  
 زهر به کام حسنم ریختند (واویلا)  
 خاک سیه بر سر ما ریختند (واویلا)  
 صبر و شکیا بشد از خاص و عام (واویلا)  
 زینب و کلثوم به اسیری برفت (واویلا)  
 چوبه محمل سر زینب شکست (واویلا)  
 وعده نهادی به بهشت برین (واویلا)  
 عفو بفرما تو خدای جهان (واویلا)  
 بار «مسیحا» که بود نو حه خوان (واویلا)

\*\*\*

بریز آب از وفا اسماء به قَدّ و قامت زهرا  
 که شویم این گل رعنا ولی آهسته آهسته  
 کنم «ظاهر» رخ ماهش دوزلف عنبر آسایش  
 قد سرو و دل آرایش ولی آهسته آهسته  
 نمی گویم منال اسماء بترس از فرقه ی اعدا  
 بریز آب و مکن غوغا ولی آهسته آهسته  
 علی شد منقلب یکبار که سر بنهاد بر دیوار  
 بنالد از دل خونبار ولی آهسته آهسته

بگفت مجروح این پهلو رخس نیلی تا ابرو



کبود است از چه این بازو ولی آهسته آهسته  
 شدی آسوده زین دنیا علی شد یگه و تنها  
 بروای نوجوان زهرا ولی آهسته آهسته  
 زبعد از تو من نالان چه سازم با غم طفلان  
 حسن نالد حسین گریان ولی آهسته آهسته  
 قمر در عقرب است امشب پریشان زینب است امشب  
 چه یارب یارب بست امشب ولی آهسته آهسته  
 چه رفت زهرا به زیر گل علی را زندگی مشکل  
 بنال ای «تیری» از دل ولی آهسته آهسته

\*\*\*

ای مدینه ای مدینه من دگر زهرا ندارم  
 صورت خود را به دیوار غریبی می گذارم  
 لاله ام کو غنچه ام کو یار هیجده ساله ام کو  
 مادر طفلان من کو مونس و غمخوار من کو  
 ای مدینه ای مدینه من غریبم من غریبم  
 از پس مرگ حبیبم داغ زهرا شد نصیبم  
 ای مدینه ای مدینه خاک عالم بر سرم شد  
 روز روشن خانه من قتلگاه همسرم شد  
 ماه گردون چون مه من پرده ی نیلی ندارد  
 بانوی پهلو شکسته طاقت سیلی ندارد  
 زینب و کلثوم بیائید روی نعش مادر افتید  
 گریه و زاری نمائید داغ دیگر شد نصیبم  
 همسرم بین در دیوار خانه یا علی گفت



نالہ کرد و زیر ضرب تازیانه یا علی گفت

«ذاکر محزون» از این غم می زند بر سینه و سر

شافعیش گردد به محشر حضرت زهرا ی اطهر

\*\*\*

دارم به تو من وصیتی ای پادشه یگانه

فردا چه شوم من حزین از نزد شما روانه

پهلوز فشار ضرب در فاروق لعین شکسته

بر شانه و فرق و بازویم از کین زده تازیانه

یکبار دگر به دست خود گیسوی حسن بشویم

بر زلف معنبر حسین دارم گل عطر و شانه

از بعد وفات من شود زینب به بلا گرفتار

کلثوم یتیم میشود رفتم چه من از میانه

دیگر که چه جان به حق دهم غسل بده از کرامت

دفنم بنما به شب مکن بر تربت من نشانه

مخفی ز مخالفین دین نعشم به لحد سپاری

فارغ شوم از عنادشان بی دغدغه و بهانه

هر صبح و مساء گذر نما بر تربت من ز احسان

روحم بنما به حمد شاد ای پادشه یگانه

یارب تو ببخشا از عطا جرم و گنه «مسیحا»

تا روز قیامت ای خدا باشد به حسین یگانه

\*\*\*

من به قربان آن قبرهایست

ای بقیع ای بقیع جان فدایت

ای بقیع کو رواق و ضریحت

جان فدای قبور غریبت



مرقد مجتبی بی چراغ است  
مرقد چهار امامان معصوم  
در کجا قبر زهرای اطهر  
ای بقیع همچو کربلائی  
ای بقیع ای گلستان زهرا  
ای بقیع در تو غمها سرشته است  
صادق حق چرا چون غریبان  
ما که زوار خاک تو باشیم  
ای «وکیل زاده» کم کن سخن را

قلب زهرا برایش کباب است  
بی چراغ و رواقند و مظلوم  
مدفن پاک دخت پیمبر  
مدفن پاک اهل کسائی  
خاک تو مهد اولاد طه  
ترتبت بوی خاک بهشت است  
بی ضریح و رواق است به دوران  
چشم گریان برای تو باشیم  
دیده گریان مکن مرد و زن را

\*\*\*

### نتیجه گیری

اشعار مرثیه‌ی شاعران میناب در قالب‌های شعری مثنوی، قصیده، ترجیع بند، غزل، بحر طویل، مستزاد، ترکیب بند، قطعه و... در اوزان عروضی متفاوت و متنوع سروده شده است؛ همینطور تنوع و گستردگی مضمون نیز در این اشعار (نوحه) به خوبی دیده می‌شود. شاعران مرثیه سرای مینابی در پایان همه‌ی قالب‌های شعری، تخلص و نام شعری و هنری خود را ذکر می‌نمایند.

آنچه از آثار مکتوب و شفاهی به دست ما رسیده حاکی از آن است که مرثیه‌سرایی در میناب قدمتی ۳۰۰ ساله دارد و شاعران نوحه‌گوی میناب از عصر صفویه، قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی همواره به صورت سنتی نوحه‌گویی در سوگ پیامبر، امامان و بزرگان دین را ادامه می‌دهند که در این راستا بیشترین سوگ‌واری در رثای حضرت امام حسین و شهیدان کربلاست و کمترین مرثیه‌ی در سوگ امام حسن مجتبی(ع) است. و در واقع تخصص شاعران میناب بیشتر در سوگ عاشورا است و آن می‌تواند چند دلیل داشته باشد: ۱- ایام عاشورا بیشتر مرثیه‌ی آن شاعران مورد توجه قرار می‌گیرد پس باید محتوای اشعارشان نیز نشان‌دهنده ماجراهای عاشورا، امام حسین و شهادت



آن امام بزرگ و یاران باوفایش باشد<sup>۲</sup> - شاید منابع مکتوب تاریخی جهت مطالعه برای به تصویر کشیدن واقعه عاشورا به زبان نوحه بیشتر بوده است.<sup>۳</sup> - مردم برای شهادت سایر بزرگان دین به جز حضرت فاطمه (س) که ایام فاطمیه دارد تنها یک روز به سوگ می‌نشینند از این رو اشعار مرثی در مورد سایر امامان از یک تا ۱۵ نوحه بیشتر تجاوز نمی‌کند در حالی که در سوگ حضرت امام حسین (ع) صدها نوحه در دست است.

در مورد حضرت زهرا (س) شاعران مینایی نوحه‌های فراوانی دارند که در سه کتاب رخس بی سوار، سوگواره‌ها و نوحه و عزا در هرمزگان توسط سهراب سعیدی تصحیح و تدوین شده. مضمون نوحه‌ها بیشتر به شهادت آن حضرت و پهلوی شکسته و در نوجوانی شهید شدن اشاره دارد که دارای حزن و اندوه فراوان است.

### منابع و مأخذ

- سعیدی، سهراب، (۱۳۸۸)، رخس بی سوار، قم، دارالتفسیر.
- .....، (۱۳۸۹)، سوگواره‌ها، قم، دارالتفسیر.
- .....، (۱۳۹۳)، نوحه و عزا در هرمزگان، قم دارالتفسیر.
- میرصادقی، میمنت، (بی تا)، نگرشی به مرثیه سرایی در ایران، تهران، بی نا.
- مجله کیهان فرهنگی، اسفند ۱۳۸۱، شماره ۱۹۷.

